

پژوهش های

ایــــــــران شنــــــــاسی

پـرســـش و پـاســـخ

پیرامون پیشینه ی تاریـخی فرهنگی تمـدنی ایران

******

ع قاید د و اق دامات صفویه

مجموعه مقالات وبگاه ایران شناسی

www.iranologi.blogfa.com

iranology11@gmail.com

سال های

۱۳۹۲-۱۳۸۶

نوشته ی دکترمحمودرضاافتخارزاده

عقاید و اقدامات صـــفویـــان

(۱۱۴۸ - ۹۰۸ مهشیدی)

نگارش ونمایش نخست : شهریور۱۳۸۷خورشیدی/ ویرایش و نمایش دوم :خرداد۱۳۹۰خورشیدی.

پرسش:

درود بر شما استاد ارجمند و پرمایه . گرچه من با «دین» ، یکسره و سراسر، مشکل دارم ولی آن را برای - به گفته ی شما- توده ها یلیسته و لازم میدانم. و گرچه با اسلام هم ، چنین.... ولی شیعه را دینی ساخته پرداخته ی ایرانی و فرهنگ ایرانی و باورهای چندهزارساله ی باستانی ایرانی - آریایی میدانم. گرچه صفویان با تعصب دینی، روی خلفای سنی و شاهان ترک نژاد وابسته به خلافت و ضد رافضیان و علویان، را اندککی سپید کردند. و گرچه ادبیات پارسی و دانش و فرهنگ ایرانی و فلسفه و عرفان ایرانی اسلامی و ... در این دوره به نابودی گرایید تا...... نیما و پیروان در شعر و صادق هدایت و جمالزاده در داستان و بزرگانی دیگر در ۱۵۰ سال گذشته تا کنون، به داد ایران و فرهنگ و هنر و دانش و ادب آن رسیدند. ولی به باور و نگر شما و هچنان که از استاد بهار بازآوده اید، اگر نبودند این شاه صوفیان شیعه) یا شیعه شده به مصلحت سیاسی،!!! که این نگر برخی تاریخنگاران است (ایرانی دیگر نبود در میان آسیا و بخشی می شد از سرزمین بزرگ عربستان که آرمان بنیانگذاران بعث)از سوری ها تا عراقی ها (بود ___ آنچنانکه در نقشه ی خیالیِ و خام پندارنه ی آنان از مصر تا آنسوی ایران را یک کشور یگانه ی عربی می خواستند. و اما پرسشم که در لابلای نوشتارم اشارتی بدان شد)گرچه پرسشها بسیارست و چیزهایی بسیار هست که نمیدانم و هنوز نوپایم و جوانی درجسنجوی حقیقت گرچه تلخ باشد به کام میهن دوستی و ایران گرایی من. پرسش هایم را سپس تر خواهم پرسید از شما . ولی یک گله دارم از شما که _ هرچند شاید تا اندازه درست گفته باشید_ ولی توهین و بدزبانی به دیگراندیشان) مانند آنچه درباره کسروی و دشتی و ... گفته اید(نازیبا میکند چهره خوب حقیقت جوی و راستی خواه شما را که در میهن دوستی تان بیگمان هستم و استوان.پرسشم این است که :برخی نوشته وگفته اند که صفویان درپایه و بنیاد خود نیز سنی آیین بودند و برای مصلحت سیاسی خود را شیعه خوانده و تبار خود را _ ساختگی - به پیشوایان شیعیان رساندند. آیا شما دراین باره چیزی شنیده یا خوانده اید و نگر و رای شما چیست. خواهشمندم با برهان و دستاویزِ معتبر پاسخم را بدهید) .البته باید بگویم که نمیدانم در آن جوّ ضد شیعه ی آن هنگامه ها چه مصلحتی بوده؟؟؟ و من نیز چنین نمی پندارم ولی درست هم نمی دانم و آنچنان دروغ و درنگی و دوگانگی و چندگانه گویی در سخنان و نوشتارهای پیشینیان و امروزیان دیده ام که پایه ی اندیشه ام را بر شک استوار کردم و : شک میکنم پس هستم (!!!پدروود باشید استاد گرامی و امیدوارم انتقاد مرا گستاخی ندانسته باشید و آن را از سر مهر یک شاگرد کوچک و هم میهن ایران دوست بدانید.

پاسخ:

نخست به همه ی فرزندان فرهیخته ی ایران سفارش می کنم که به انگیزه های جوانی و احساس مندی ، دچارآگاهی کاذب که پیامد طبیعی و منطقی آن ، سراب های روشنفکری است نشوند و کام اندیشه ی

خویش را با زقوم های روشنفکری نگشایند و نیک بدانند که باید عارف شوند تا ژرف بین و باریک بین گردند و با پیچیدگی ها، ظرافت ها و ژرفای فرهنگ ملی خویش آشنا گردند. آنچه سرنوشت ساز بود ، اقدام بجا ، به هنگام و بسیار بسیار ضروری صفویان بود که به نجات و بقای ایران انجامید . این دوره ی از تاریخ پانصد ساله معاصر ایران ، از پر تالیف ترین و پر منبع ترین دوره های تاریخی ایران است . هیچ دوره ای از ادوار سابق و لاحق تاریخ ایران به اندازه ی دوره صفویه ، اذهان و افکار پژوهندگان و نویسندگان داخلی و خارجی را به خود جلب نکرده است. در باب نژاد ، تبار و عقاید صفویان کتاب های بسیاری نوشته شده است . این اقدام از پگاه اقتدار صفویه آغاز شد. انگیزه تالیف این آثار ، شک وشبهه هایی بود که سنیان به ویژه ازبکان و ترکان سنی شکست خورده ایجاد کرده بودند . شیبک خان ازبک نخستین کسی بود که رسما این شبهات را ساز کرد و هیاهویی گسترده به پا کرد . منابع دست اول در این موضوع عبارتند از :۱- کتاب صفوه الصفا /تالیف ابن بزاز/ نخستین تالیف در این موضوع .۲-تذکره شاه تهماسپ / تالیف شاه تهماسپ / . ۳- عالم آرای صفوی / مولف ناشناخته است /.۴- سلسله النسب صفویه / دو یا چند کتاب به همین نام وجود دارد / ۵- تاریخ گزیده / تالیف حمدالله مستوفی ۷۴۵ق / درباره شیخ صفی نیای صفویان .وکتاب های بسیار دیگر.لازم است بدانیم که از آغاز اشغال ایران توسط تازیان تا آغاز سده ی دهم قمری نود درصد توده های ایرانی سنی بودند و تشیع یک جرم و گناه نابخشودنی بود . از این رو صوفیان ، مذهب اهل سنت و جماعت داشتند و تقیه که تاکتیک راز بقا بود در میان صوفیان و شیعیان در آنجا که می سزد و ضروری می نمود رایج و شایع بود . به دلیل وجود صوفیان شیعی بسیاری در میان سنیان ، فقیه نامدار شیعه امامیه در سده هشتم قمری ، محمد بن مکی عاملی معروف به شهید اول) ۷۸۶ق (در کتاب فقهی الدروس فتوا فرمود که : "... وقف بر صو فیان جایز است ..." ن . ک : الدروس .کتاب الوقف ۲۳۳ .شیخ صفی الدین اردبیلی)مرگ ۷۳۵ ق (نیای صفویان ، ازمشایخ بزرگ تصوف ایران است . او ادامه ی طریقت تصوف سهروردیه است . صفوی ستیزان تلاش داشته و دارند تا او را سنی شافعی نشان دهند . می دانیم که در میان امامان مذاهب چهارگانه اهل سنت ،امام شافعی پیشوای مذهب شافعی ، مهر و محبت بیشتری به خاندان پیامبر و تشیع امامیه دارد. اگر شیخ صفی الدین ، مذهب شافعی داشته یا بنا به تقیه به آن مذهب تظاهر می کرده مشکل ساز نبوده ونیست . عقاید این خاندان از شیخ جنید و شیخ حیدر معاصر تیمورلنگ آشکار می شود که اعلام می داشتند آنان مذهب امامیه دارند و در اشاعه این مذهب می کوشند و بیمی ندارند. سیادت این خاندان نیز از همان آغاز ، دستخوش شایعه ، شبهه و هیاهوی تبلیغاتی ازبکان سنی قرار گرفت و پاسخ های شایسته ای داده می شد . می دانیم که سنیان بسیاری داعیه سیادت دارند و خود را از خاندان پیامبر اسلام می دانند . مثلا ملک حسین پادشاه اردن هاشمی خود را از سادات اصیل می دانست و به آن مباهات می کرد . بسیاری از علما و فضلای اهل سنت در گذشته و حال خویش را سید می دانند . امویان به ویژه عباسیان نیز خود را سید می دانستند . بنا براین سیادت در انحصار پیروان مذهبی خاص نبوده ونیست . اما از آنجا که در باور توده ها به ویژه ایرانیان از همان آغاز ، اهل بیت پیامبر اسلام(ص) (مشخصا امام علی)(ع) و فرزندان آن حضرت ، سمبل دادخواهی و آزادگی و انسانیت بودند ، سیادت ویژه زادگان آنان و پیروان مذهب آن حضرات بود و هست.آن گونه که گفتم آنچه کار صفویه را در تاریخ و سرنوشت تاریخی ایران ممتاز می کند ، تمامیت ارضی ، اقتدار ملی ، وحدت ملی ، حکومت مرکزی و سیادت زبان و فرهنگ پارسی است . اقدامی بسیار حیاتی و سرنوشت ساز که ایران بقای خویش را پس از اشغال تازیان ، مدیون و مرهون صفویه است. در میان شاهان صفوی باید از کفایت و درایت شاه اسماعیل اول ، تا حدودی شاه تهماسب و به ویژه درایت براستی تحسین انگیز شاه عباس بزرگ یاد کرد که سرنوشت تاریخی و نجات و بقای ایران را رقم زدند.

اقدامات ملی صفویه

هر ایرانی ایران شناسی که با تاریخ این سرزمین آشنا باشد اعتراف دارد که شاهکار صفویان که نجات و بقای ایران است ، آن چنان گرانقدر و بزرگ است که اگر صفویان آجری روی آجر و سنگی روی سنگ نمی گذاشتند از خدمت بزرگ آنان به ایران نمی کاست و نقش آنان در تاریخ ایران جاودانه و فراموش ناپذیر بود.خداوندگارتاریخ وادب پارسی مرحوم ملک الشعرای بهار که بحق منصفانه و محققانه قضاوت فرموده و نوشته ، در باب خدمات ملی فرهنگی صفویه می فرماید " : شعر قدری نامرغوب شد ولی نه چنانست که شهرت دارد ، بلکه شعرایی مانند فغانی ،هلالی ،قاسمی ، امیدی ، رازی ، اهلی ، حیرتی ، محتشم ، حکیم ، رکنا ، وحشی بافقی ، عرفی ، زلالی خوانساری ، وحید قزوینی ... وغیرهم پیدا شدند که امروز ایران از داشتن نظیر هریک محروم است ونویسندگانی چون اسکندربیک ، وحید قزوینی ، ملامحمدباقر سبزواری ، شیخ بهایی و مجلسی داشت که کتب آنان مورد استفاده ی همه است و علمایی چون شیخ بهایی ، مجلسی دوم ، محقق ثانی ، شیخ حرعاملی ، میرداماد ، میر فندرسکی ، ملامحسن فیض ،عبدالرزاق لاهیجی... وبالاخره حکیمی چون ملا صدرا پیدا کرد که هریک افتخار ملت و نژادی توانند بود." ن.ک:بهار/ سبک شناسی ۲۵۵-۳/۲۵۴.به عنوان نمونه باید از آثار مرحوم علامه مجلسی یاد کرد که دانشنامه ی اندیشه ی ایرانی است . دراین آثار، فضایل و محسنات و افتخارات ایران باستان آمده به گونه ای که امروز دستاویز پان عربیست های دشمن ایران گردیده تا به صفویه دشنام دهند و دق دل خالی کنند!! حال امروز بگذار تا جاهلانه و احمقانه ، درماندگانی مفلوک وورشکسته به تقصیرجهل ، وکهترانی قبیح و مخبث و مخنث و فرومایه در ذات و تبار و قوم و قبیله و ایل ، چون» قلی ننه جگرکی «با نام مستعار«حرامک مشیری (!!)«و جاهلانی شیاد و بیسواد چون» حاجی روغنی«با نام مستعار«علی اکبر جعفری» و لمپن های عقده ای بیماری چون» مصطفا لُره«با نام مستعار«رضا فاضلی)«[1])هم صدا با پان عربیست های دشمن ایران به بنیان های هویت ملی و خدمات ملی صفویه ناسزا گویند و دشنام دهند! اقدام ملی بس شگفت انگیز و براستی تحسین انگیز صفویه احیای چهار حرف پارسی : ژ ، پ ، چ ، گ بود. این چهار حرف در الفبای فارسی تازی زده ما تا روز گارصفویه وجود نداشت. مرحوم علامه بهار با شرح بسیار،می فرماید که اصلاح خط در دوره صفویه روی داد)ن.ک :سبک شناسی۳۰۸-۳/۳۰۶(

فرزند فرهیخته ی ایران ، با گلایه از من ، فرموده اید»: توهین و بدزبانی به دیگراندیشان) مانند آنچه درباره کسروی و دشتی و ... گفته اید (نازیبا میکند چهره خوب حقیقت جوی و راستی خواه شما را که در میهن دوستی تان بیگمان هستم و استوان.«

فرزند گرامی ! یاد شدگان را تنها با سرشت و خلق و خوی شان یاد کرده ام! اما در این هیاهوی سی ساله و دراین آشفته بازار شیر تو شیر ! که صمد وعین الله و برجعلی و قوچعلی و کنیز رختشو و شعبون بی مخ و مصطفا لره و صادق خله و بهجت تیغی و قلی ننه جگرکی و ننه آغا و اقدس چهارچشم واحمد بی کله و حسن جغجغه و حسن کچل وممل امریکایی و مش باقر ومش قاسم وقنبرک و قمرخانوم و قوزی خانوم وغلوم چهارشاخ و حاجی روغنی و حاجی لته ای و تقی بوقی و علی ذوقی و عزت دست پاچه و عباس سگ دست و این دار و دسته در درون و برون مرز، «ایران شناس» و «اسلام شناس» وهمه چیز شناس شده اند آیا جایی برای مماشات هست ؟ !آیا این اندوه جانکاه و این سکوت دردناک را«اُفی»هم نه ؟ در اندرون من خسته دل ندانم کیست ٭ که من خموشم و او در فغان و

در غوغاست ! فرزند عزیزایران !کدام ایرانی فرهیخته را توان این هست که ببیند و بشنود که این تیره و طایفه ی فرومایه ی یاد شده بر کرسی وعظ نشسته و یاوه می گویند و این نسل چهل میلیونی پریشان و خسته جان را مخاطب ساخته ریشه های هویت ملی را به بازی گرفته اند !

حمله روشنفکران مذهبی به صفویه ؟!

نگارش و نمایش : ۲۰/۷/۱۳۸۶خورشیدی

۱-پرسش: آیا راهی برای این آشفتگی هست ؟

پاسخ : گفته شد که تا جراحت و عفونت باقی است ، این پریشانی و آشفتگی پایدار است . به ویژه که زخم کاری است و مرهم گذاران فرو مایه و بینوایند وتوان تحلیل و ارایه ی طریق ندارند . در چنین فضا یی بازار شیادان داغ است و کسب و کار شعبده بازان پر رونق!

۲ ـ پرسش : خدمات متقابل ایران و اسلام چیست ؟

پاسخ: ایران باپشتوانه ی عظیم اسطوره ای ، کلامی ، آیینی هزاره ها ، بستری مناسب برای آیینی بس ساده ، بی پیرایه و جوان بود ، چون بذری در زمینی مستعد ، که آن را پرورد و به برگ و بار رساند ؛ نخستین محدثان ، فقیهان ، ادیبان ، مفسران ، مورخان ، متکلمان ، عارفان ، مترجمان ، نویسندگان ، منجمان ، موسیقی دانان ، نقاشان ، نوازندگان ، هنرمندان و ... ایرانی بودند . این زمین حاصل خیز از همان پگاه نخستین تا کنون همچنان محصول می دهد . از آن سو اسلام جوان ، جان مایه میراثی عظیم شد که به شدت فرسوده ، دچار کهولت ، آخرین نفس ها را کشیده و از کارایی باز ایستاده بود ! آن همه را در صافی توحید ریخت و سرانجام معنویت ناب ایرانی اسلام را در عرصه عرفان نمایان ساخت و خاطره ی قومی را رقم زد و به ودایع ملی جاودانگی بخشید و همه آنها را در معانی ژرف و الفاظ نوین به ارمغان آورد و جهان بینی زیبای ایرانی را در این پنج حلقه از اقلیم حضور ترسیم کرد : فردوسی ، خیام ، سعدی ، حافظ و مولانا !اسلام قلمه ای بود در دل درخت فرهنگ کهن سال ایران که به برگ و بار نشست و شکوفه های معنویت ناب ایران پدیدار شد و میوه های آبدار تازه و شیرین برآورد!

۳-پرسش : صفویه و نجات ایران ؟

پاسخ: کافیست بدانیم که ایران از پگاه اشغال تا آغاز سده دهم هجری در اختیار تسنن بود . تسنن به دلیل تعرب ، تصلب ، تعصب و تعلق خاطر به عربیت نمی توانست عامل ، حامی و حافظ تمام داشت که ایران و ایرانی چون دیگر سرزمین های اشغالی عرب شده ، از بیخ و بنیت ارضی ، استقلال ، فرهنگ و ملیت ایرانی باشد . تسنن از همان آغاز همواره آرزو عرب شوند ، میراث ملی طرد و زبان پارسی زبان عربی گردد ! تسنن در راه تحقق این آرزو بسیار کوشید تا آنجا که در آستانه سده دهم داشت به این آرزو می رسید چراکه ایران از جنوب و شرق داشت به کام تازیان می رفت و از شمال و غرب عثمانی ها داشتند ایران را می بلعیدند و در میان ؛ ازبکان ، بقایای تیمور و ترکمانان به ترک تازی

پرداخته و خاک ایران را با توبره می بردند . در چنین هنگامه ای از پریشانی و شوربختی ، ظهور و نهضت صفویه یک ضرورت سرنوشت ساز تاریخی بود که در تقدیر تاریخ ایران نهفته بود .نهضت صفویه به این شور بختی پایان داد و استقلال ، تمامیت ارضی ، هویت و فرهنگ ملی ایران را بیمه کرد . اگر صفویه نبود چیزی به نام استقلال ملی و ارضی ایران وجود نداشت و به فرموده ی محققانه ی استاد ادب پارسی مرحوم ملک الشعرای بهار» : هرگاه ایرانی سنی می بود اتحاد ملی و استقلال ایران باقی نمانده بود ، ایران میان ازبکان و عثمان لوها قسمت شده بود« ...

۴-پرسش : حمله روشنفکران مذهبی به صفویه ؟!

پاسخ : این حمله ها ناشی از تازی زدگی مفرط و جهل به تاریخ و فرهنگ ایران بود و هست . از آنجا که روشنفکری در ایران ، خاستگاه و خمیرمایه ای بیگانه و بینشی» ایدئولوژیک «و »چپ «دارد ، فرایند این بینش بیگانه» آگاهی کاذب «است . روشنفکران ایرانی عموماً و روشنفکران مذهبی خصوصاً دچار آگاهی کاذب و جهل به تاریخ و فرهنگ ملی ایران بوده و هستند . بدیهی است که دشنام ، ناسزا و حمله همواره ناشی از جهل است !

۵-پرسش : چرا رسانه های تازی به صفویه حمله می کنند ؟!

پاسخ: ۱ - نخست باید دانست : این بدیهی است که تازیان از آغاز اشغال ایران آرزو داشتند که ایران ، عربستان شده و بخشی از سرزمین های خلافت عربی گردد . آنان در پی اشغال تا آغاز سده دهم هجری برای تحقق این آرزو بسیار کوشیدند . این نهضت صفویه بود که این آرزو را برای همیشه بر باد داد . بنابراین حمله به صفویه ناشی از یک کینه ی دیرینه است .

۲ -متاسفانه دستاویز پان عربیست های افراطی تازی در حمله به «صفویه» و «تشیع» که «اسلام ایرانی» را نمایندگی می کند و ضامن استقلال ، تمامیت ارضی ، هویت ، زبان و فرهنگ ملی ایران است ، نوشته ها و شعارهای جاهلانه ی روشنفکران مذهبی دیروز و امروز ماست ! بنابراین از ماست که بر ماست!

۶-پرسش : منظور شما ازاسلام ایرانی چیست ؟

پاسخ : وقتی می گویم اسلام ایرانی یعنی اسلامی که حافظ و ضامن استقلال ، تمامیت ارضی ، هویت و فرهنگ ملی ایران است . و این اسلام ، «تشیع امامیه» است که همه میراث ملی ، ودایع و خاطره قومی ایرانی را در خود دارد .

تقیّـــــه وصـــــفویّـــــــه!

نگارش و نمایش :۱۳۸۷/۲۵/۶

پرسش:

دیشب در یکی از رسانه های بیگانه .... جاسوس ومزدوری چند جانبه موسوم به«الی رزا ظلمت زاده» می گفت که : در اسلام تقیه وجود ندارد!! تقیه ساخته و پرداخته صفویه است !! مرا به جاسوسی و مزدوری این روسپی زاده و اهرمن زاده کاری نیست ، مشکل من با این «روسپی زاده»این است که به خاطر دانستن چند واژه شکسته بسته عامیانه ی تازی که در روسپی خانه های قاهره یاد گرفته ، خود را« اسلام شناس»هم می داند !آیا این حرامی بالفطره را تو دهنی شایسته ای نمی سزد؟

پاسخ:

تقیـــّـه در لغت : این واژه را در زبان عربی اشکالی گونه گون است : وقایه ، تقیه ، تقاء ، تقاة ، تقی ، تقوی ، تقی ، اتقیا» . تقیه«اسم است برای فعل : اّتقی ، یّتقی . پیرامون این واژه در ادبیات عرب سخن بسیار است)ن.ک: *ابن منظور/ لسان العرب ۱۵/۴۰۲ . + طریحی/ مجمع البحرین ۹۱. + طوسی/التبیان۲/۴۳۵ و*.»(... **تقیـــّـه «در لغت عرب به معنای : «مداراة و کتمان» است . عرب گوید : رجل تقی ! یعنی : مردی که با پرهیز از گناه و با کردار نیک جان اش را از کیفر می رهاند . در زبان پارسی »تقیه «به معنای» : سرزبانی ، پنهان کاری ، راز داری «است. در زبان انگلیسی و فرانسه به معنای=*Dissimulation*«:کتمان و راز داری»،است) .** ن.ک :Oxford Dic.vol.1.p.765 .+ Le Robert.vol.2.p.259.+ Larousse.Enc.vol.4.p.129.)

تقیـــّـه در اصطلاح: تدبیر وتاکتیکی است برای «حفظ جان» در شرایط و مواقع ضروری وجدی که بیم تباهی رود .این تدبیر و تاکتیک اصلی است پذیرفته شده و بس دیرین نزد همه ی اقوام ، ملل و نحل ، که در مبارزه رهایی بخش و داد خواهانه ، برای« حفظ جان مبارز» ، به کار رفته و می رود.) ن.ک : المولفون/ الموسوعة العربیة المیسرة۵۴۰(

تقیـــــّـه در قرآن: مبانی » تقیـــّـه « در قرآن مبتنی بر ســه آیـــه است: ۱ -آیه ۲۸ آل عمران : «لا یتخذ المومنون الکافرین اولیاء من دون المومنین ... الاّ ان تتقوا منهم تقاة.»... ۲ -آیه ۱۰۶ سوره نحل :« من کفر بالله من بعد ایمانه ، الاّ من أُکره و قلبه مطمئن بالایمان .»... ۳ -آیه ۲۸ سوره مومن »:و قال رجل مومن من آل فرعون یکتم ایمانه.»...

شان نزول آیه ی اول در باره دو نفراز یاران رسول(ص) است که به دست »مُسَیلمه کذّاب «گرفتار شدند. یکی از آن دو برای «حفظ جان «تقیـــــّـه کرد و جان بدر برد و دیگری» تقیـــــّـه «نکرد و جان باخت.شان نزول آیه ی دوم درباره ی خانواده یاسر و گروهی از مسلمانان اولیه در مکّه است .«عمار پسر یاسر» زیر شکنجه بود ، مشرکان مکه از او می خواستند که «کفر» گوید و او که از شکنجه ها بی تاب شده بود ، سر زبانی کفر گفت و جان بدر برد . شان صدور آیه ی سوم پیداست که به رونـــد

تـاریخی تقیـّه در نظام فرعونی اشاره دارد و داستان نبرد موسی ویاران او با فراعنه است . پس تقیه یک اصل قرآنی است، نه ساخته و پرداخته ی شیعه و صفویه!

صفویه و سلمان فارسی!

پرسش:

بادرودبسیار . دریکی از رسانه های برون مرز ، فردی مفلوک به نام "علی اکبر جعفری" که پادویش" پارسا" نامی او را استاد و ... خطاب می کرد و پیدا بود که "استاد"(؟!) ازدانش تهی و از گویش بس ناتوان است!! با زبانی نارسا می گفت که :" سلمان فرد گمنامی بوده و صفویان اورا گنده کردند . اگر سلمان آدم مهمی بود باید نامش در قرآن می آمد و چون نامش در قرآن نیامده پس آدم مهمی نبوده است" و نیز پرت و پلا های ناهمساز دیگری می بافت که نشان از پریشانی و بی دانشی این فرد داشت .چند و چون سخنان این فرد از چه قرار است ؟

پاسخ:

فرد یاد شده آدم عامی و شیاد بی سوادی است که در این آشفته بازار روزگار که هر خسی کسی شده و هر خاشاکی استادی ! او نیز از این زمانه و زمینه ی مساعد بهره جسته ، دامی گسترده به شکار نوباوه گان بی پر و بال پرداخته و گویا که این صیادی ناجوانمردانه حرفه ی دیرینه ی اوست ، در ایران که بوده به همین حرفه گرفتار و آدم ربایی می کرده است .در باب یاوه ها و پرت و پلا های او هر شنونده ای که پای سخن هر نقال قهوه خانه ای نشسته با شد می خندد ! در باره ی سلمان در همین وبلاگ نوشته ام و در شرح عظمت او"سند" ها نموده ام . عظمت سلمان چنان عظیم است که اعراب از همان آغاز او را به سوی خویش کشیدند تا کسب اعتبار کنند . شرح حال سلمان در منابع دست اول تاریخ اسلام آمده است . سلمان فارسی از مشهور ترین شخصیت های تاریخ اسلام و ایران است . جایگاه تاریخی سلمان را از"السیره النبویه" تالیف ابن هشام تا "الاستیعاب فی معرفه الاصحاب "تالیف ابن عبد البر و صدها کتاب تاریخ و رجال و حدیث ، می توان دید.اتفاقا در دوره صفویه یک سطر هم درباره ی سلمان نوشته نشده است . بر خلاف پندار این شیادان فرومایه ، در دوره صفویه چیزی خلق نشد بلکه میراث گرانقدری که در گذر نه قرن پیش از صفویه پراکنده و نا مدون به یادگار مانده بود ، گردآوری و تدوین شد.

علت ستیز بی امان تازیان با صفویه !

پرسش:

این فدوی از دور ارادت دیرین دارم و با آثار سابق و لاحق شما آشناهستم.بسیار خرسندم بپرسم : چرا اعراب محترم به صفویان حمله می کنند ؟ آیا پای منافع و خرده حساب های قومی و نژادی در میان بوده است ؟ گویا منظور جناب عالی از "نوشته های روشنفکران مذهبی" نوشته های مرحوم شریعتی است؟ مستدعی ا ست خاطر فدوی را روشن فرمایید.

پاسخ:

ایران از پگاه اشغال توسط تازیان تا پایان سده ی نهم قمری ،دارای استقلال، تمامیت ارضی و حکومت ملی مرکزی نبود. هرپاره ای در دست قوم و قبیله ای بود و در گذر سده ها دست به دست می شد. نود درصد توده های ایرانی سنی بودند و ازآنجا که تسنن ذاتا دارای ماهیت، خاصیت و هویت پان عربیستی است، هماره و در هرحال به عربیت و حکومت های عربی تعلق خاطرداشته و دارد . از این رو تازیان امیدواربودند که سرانجام ایران، مانند مصر و... ازبیخ و بن عرب شود، زبان فارسی و فرهنگ ملی ایران از میان برود و همه چیز به کام تازیان گردد . در پایانه ی سده ی نهم قمری این آرزوی شوم داشت برآورده می شد)ن.ک :همین وبلاگ : مقاله ی تشیع پاسدار هویت ملی **(در چنین هنگامه ای بود که نهضت صفویه پدیدار شد و آرزوی تازیان را برباد داد و برای نخستین بار پس از ساسانیان ، وحدت ملی ، تمامیت ارضی و حکومت مرکزی به ایران عرضه شد و شاهان باکفایتی چون شاه اسماعیل اول و شاه عباس بزرگ ، عظمت باستانی ایران را پس از نهصد سال به آن برگرداندند . تازیان کینه ای سخت سیاه به دل گرفتند و کوشیدند تا آرزوی برباد رفته را برآورده سازند . ازاین رو گرازهای وحشی افغان را از بند رهاکردند و به جان ایران انداختند و از دیگر سو فتنه سیاه وهابیت را ساز کردند تا با پشتوانه های آیینی ایران بستیزند که این ستیز هنوز ادامه دارد و فاجعه می آفریند . در این میان روشنفکران مذهبی چپ زده ی تازی گرای ما در دهه های ۲۰تا۵۰ خورشیدی با طرح بدعتی ناروا و نسنجیده و ناصواب به حال منافع ومصالح ملی ایران ، به صفویه تاختند و سخنانی گفتند که امروز دستاویز دشمنان دیرین ایران شده است.**

پرسش : آیا صفویان در بسیاری زمینه ها چه نیک و مثبت ، چه بد و منفی، همانند ساسانیان نیستند؟"

پاسخ : این روح و سرشت معنویت گرای فرهنگ آریایی و ایرانی است که چنین اقتضا می کند . ما چه بخواهیم و نخواهیم روح متعالی و سرشت فرهنگ آریایی معنویت گرا و آیینی است. مشکل اساسی در افراط و تفریط این قوم است.در تاریخ ایران مقاطعی بوده که افراط را بر می تافته و سزاواربوده است . مثلا پس از سقوط اشکانی ، افراط ساسانی در ستیز با یونانی مآبی و رومی گرایی آریاییان و بازگشت به هویت و فرهنگ ملی سزاوار بوده اما ادامه آن پس از اردشیر، نابجا و ناسزا بوده است .

اقدام و افراط صفویان برای نجات ایران و احیای هویت ملی و فرهنگ ایران ضروری و بجا بوده است . چراکه تسنن بنا به سرشت تازی گرای خویش هماره با هویت ملی و فرهنگ ایران در ستیز بوده و هموارە دل به زبان و فرهنگ تازی داشته و از هر فرصتی برای پیوستن به تازیان بهره جسته است .
بنا براین به تصریح گرانبهای مرحوم ملک الشعرای بهار : "هرگاه ایرانی سنی می ماند استقلال و تمامیت ارضی ایران برجای نمانده بود "! و اگر امروز ایرانی از آیین ها و عناصر فرهنگ ملی خویش لذت می برد و به موسیقی فاخر ملی و ادبیات و زبان فاخر پارسی خویش می بالد از برکت اقدام صفویه است و اگر ایرانی سنی می ماند نه از نوروز چیزی می فهمید و نه چیزی به نام موسیقی ملی داشت و نه از ادبیات وعرفان بهره ای داشت و حداکثر چیزی مانند افغان های سنی بود که موسیقی شان بر فرض وجود، ملغمه ای است از هندی و چینی و نوروز را میراث مجوس می دانست که حرام است و از حجاز الهام می گرفت و گوش به فرمان آن سوی آب های خلیج فارس بود!



اَلـدِّراســاتُ الايــرانيِّــة

اَسْــئلة و اَجْــوبَـــة

حَوْلَ خَلْفيّةِ ايرانَ اَلتّاريخيّة والثّقافيّة والْحضاريّة

****

IRANOLOGY

QUESTION & ANSWER

About historical , cultural & civilizational background of Iran

By:

Dr.M.R.Eftekharzadeh

www.iranologi.blogfa.com

iranology11@gmail.com